



مرکز مجاز امام صادق (ع)

اصول الفقه (مقدمه واجب)

نظر مصنف در مورد مقدمه واجب

جلسه ۲۲۰

استاد نجار زاده

نظر مصنف: عدم وجوب مقدمه به طور مطلق

عقل حکم به لزوم شیئی می‌نماید؛ به طوری که مکلف را به انجام آن دعوت می‌نماید؛ در این صورت جایی برای امر مولوی باقی نمی‌ماند.

توضیح

وقتی امر متعلق به ذو المقدمه مکلف را به انجام مأموریه دعوت نمود، این دعوت به حکم عقل، وی را بر آن می‌دارد که به آنچه مأموریه به آن متوقف است اقدام کرده تا بدین وسیله مأموریه تحصیل گردد و وقتی چنین داعی در نفس مکلف وجود داشت، حاجتی به داعی دیگر از ناحیه مولی نداریم؛ زیرا بحسب فرض، مولی به وجود چنین داعی آگاه است و با این وصف نیازی به ایجاد داعی جدید نیست؛ زیرا این دعوت لغو است.

نکته:

بنابراین تقریر، باید ملتزم شویم اوامری که در شرع انور به برخی از مقدمات تعلق گرفته، محمول بر ارشاد بوده و در مقام این هستند که بیان کنند متعلقشان شرط واجب بوده و واجب موقوف بر آنها می‌باشد؛ همان طوری که سایر اوامر ارشادی صادر در موارد حکم عقل چنین می‌باشند؛ مثلاً وقتی در روایت است که: اذا زالت الشمس فقد وجب الطهور و الضلوع؛ باید حمل بر ارشاد شود؛ زیرا این کلام اگر هم نمی‌بود نفس امر به نماز در ایجاب تحصیل طهور کافی می‌بود و از این تقریر چنین نتیجه می‌گیریم که: اساساً وجوب غیری وجود نداشته بلکه وجوب مولوی منحصر است به واجب نفسی فقط؛ فلذا باید بگوئیم: تقسیم واجب به واجب نفسی و غیری بی‌مورد بوده و این بحث از اباحت اصول باید حذف گردد.